

بررسی روابط سیاسی - اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تاثیر آن بر سیاست خارجی ایران

محمود کتابی^۱ - یدالله دهقان^۲ - سولماز حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۹

چکیده

روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق و ترکیه در سال های اخیر روند رو به رشدی داشته است و ترکیه بر خلاف مواضع تند سال های نه چندان دور خود در قبال کردستان عراق در تلاش است تا به هر طریق ممکن نفوذ خود را در زمینه های مختلف در این منطقه افزایش دهد و البته این کشش و تمایل از سمت کردستان عراق به سمت ترکیه نیز به دلایل مختلف در سال های اخیر تقویت شده است. وجود مولفه های گوناگونی از قبیل داشتن مرزهای مشترک، مسائل مربوط به کردها، مسائل مذهبی، موضوع انرژی، مسائل اقتصادی و حمل و نقل می توانند از مهمترین عوامل در برقراری روابط حسنه بین ایران و ترکیه و کردستان عراق باشند

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا mketabi840@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا m_hoghoughi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا solmaz.heydari@gmail.com

و از طرف دیگر موضوعهای مربوط به سوریه، فعالیت احزاب و گروه‌هایی مانند پ.ک.ک، ارتباط و نزدیکی ترکیه و کردستان عراق با امریکا، نفوذ اسرائیل در ترکیه، تلاش برای کسب استقلال کامل توسط کردهای عراق و... نیز از عوامل و مولفه‌ها منفی تاثیر گذار بر روابط ایران با ترکیه و کردستان عراق است. روش مورد استفاده در این پژوهش، کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از طریق دو روش موضوعی و تحلیل محتوا از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و سایر منابع و تحقیقات مرتبط با آن، گردآوری و جمع‌بندی شده است. سوال اصلی مقاله عبارت است از اینکه گسترش روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق با ترکیه در سال‌های اخیر چه تاثیری بر منافع و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه داشته است؟ فرضیه مقاله نیز این است که با توجه به مواضع و سیاست‌های ترکیه در منطقه و همچنین رویکردهای کردستان عراق در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد افزایش روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق با ترکیه باعث دوری این منطقه از ایران در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و در نتیجه به خطر افتادن منافع ایران در منطقه خواهد شد. *گام‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که ترکیه در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی نفوذ گسترده‌ای در منطقه کردستان عراق داشته است و امروزه ترکیه بزرگترین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را در کردستان عراق انجام داده و در زمینه سیاسی نیز توانسته نفوذ گسترده‌ای را در این منطقه کسب کند و این موضوع باعث نزدیکی بیش از پیش کردستان عراق به ترکیه و ایجاد فاصله‌ای هرچند اندک در روابط این منطقه با ایران و به خطر افتادن منافع ایران در کردستان عراق شده است.

واژگان کلیدی: متحد منطقه ای، دیپلماسی فعال، تنش زدایی، حسن همجواری، روابط استراتژیک.

مقدمه

به طور کلی در جهان معاصر، توسعه یک کشور بدون توسعه همسایگان آن امکان پذیر نیست. با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک منطقه‌ی خاورمیانه، همواره چالش‌ها و بحران‌ها یکی از ویژگی‌های جدایی ناپذیر آن بوده است که عمدتاً نتیجه حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای می‌باشد. راهکارهای متعددی از قبیل محورها و کانون‌های توازن منطقه‌ای تا بهره‌گیری از نیروهای فرا منطقه ای و ایجاد پایگاه‌های دائمی برای این قدرتها، جهت حل مشکلات منطقه پیشنهاد شده است که نه تنها موفق نبوده، بلکه موجب پیچیدگی اوضاع نیز شده است. از جمله کشورهای همسایه ایران که هرگونه رابطه‌ای با آنها در سرنوشت ایران تاثیر بسزایی دارد ترکیه و عراق است. دو کشور ایران و عراق در مسافتی حدود ۱۳۳۶ کیلومتر دارای مرز مشترک می‌باشند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن مرز مشترک آبی (اروند رود) می‌باشد و مابقی زمینی است. به ترتیب استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم مرز هستند. دو رود دجله و فرات در شمال بصره در ناحیه ای به نام «القرنه» به یکدیگر می‌پیوندند و شط العرب را تشکیل می‌دهند و سپس در مسیر رودخانه، مرز بین المللی ایران و عراق را با نام «اروند رود» نام دارد.

به طور کلی مرز مشترک دو کشور از شمال اشنویه تا مهران و دهلران دارای ۹ معبر و گذرگاه می‌باشد و بیشترین منطقه آسیب پذیر مرزی در طول سالها، ۸۴ کیلومتر مرز مشترک آبی میان دو کشور به شمار می‌آمده است.

از طرف دیگر آذربایجان غربی تنها استان کشور است که با ترکیه مرز مشترک دارد و دروازه ورود ایران به اروپا می باشد. با نگاه به روابط سال های اخیر دو کشور ایران و ترکیه، به خوبی می توان دریافت که هرچند دو کشور در پی افزایش نفوذ خود در منطقه البته با استراتژی های گوناگون می باشند اما پیشینه تاریخی روابط بی تنش و مبتنی بر همکاری های اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور زمینه هایی فراهم آورده است که این روابط از استحکام کم نظیری در سطح منطقه برخوردار باشد. موضوعی که اکنون دو کشور را بیشتر به یکدیگر نزدیک می کند موقعیت ژئوپولیتیکی دو کشور در منطقه است. چنین موقعیتی ایران و ترکیه را برای همکاری های بیشتر ترغیب می کند. اقدامات یک سال گذشته دولت ترکیه درباره مناسباتش با اسرائیل به ویژه ترک نشست داووس از سوی اردوغان، به سبب اعتراض به سخنان رئیس جمهور اسرائیل در بحبوحه ی جنگ غزه و به دنبال آن، لغو مانور مشترک نظامی ترکیه با اسرائیل، سبب شده است تا مناسبات آنکارا با کشورهای اسلامی، به ویژه ایران وضعیت جدیدی به خود گیرد؛ ایران دومین تامین کننده ی نفت و گاز (انرژی) ترکیه است و همچنین ترکیه دروازه مناسبی برای ورود ایران به بازار غرب به ویژه در حوزه انرژی است. این وضعیت، ایران و ترکیه را برای همکاری بیشتر ترغیب می کند و به این ترتیب، شاید بتوان استقبال مقامات ترکیه از طرح تشکیل اتحادیه ی آسیای جنوب غربی را، در سفر مقامات سیاسی ایران به آنکارا، در همین چهارچوب تحلیل کرد (رضازاده، ۱۳۸۶).

روابط ایران و ترکیه

الف) عوامل همگرا در روابط ایران و ترکیه

۱- عامل اقتصادی و حمل و نقل

وابستگی‌های متقابل در نتیجه‌ی افزایش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های اقتصادی در سال‌های اخیر اهمیتی ویژه داشته، همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک افزایش یافته است و ایران از مسیر ترکیه به عنوان بهترین راه ترانزیت کالا به اروپا و متقابلاً ترکیه برای ترانزیت کالا به آسیای مرکزی از مسیر ایران استفاده می‌کند. احداث خط آهن آکو به عنوان یکی از مهمترین پروژه‌های مشترک دو کشور در دوران اخیر بوده که با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان طراحی و ساخته شده است (رضا زاده، ۱۳۸۶).

به دلیل وزن منطقه‌ای ایران و اینکه ایران برای ترکیه تولیدکننده و معبر منابع انرژی می‌باشد و اهمیت این امور برای ترکیه، این کشور روابط با ایران را جدی گرفته است که یکی از مهم‌ترین ابعاد این روابط، مناسبات تجاری و اقتصادی است. در این راستا سازمان همکاری اقتصادی - آکو - جهت تامین ثبات و امنیت در منطقه و جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپولیتیک و درک و اهمیت این موقعیت و نقش منطقه‌ای خود، بر لزوم حفظ رابطه‌ی نزدیک با همسایگان، به خصوص با جمهوری اسلامی ایران وقوف دارد و سازمان همکاری اقتصادی را قالب مناسبی برای اجرای این سیاست می‌داند. مقامات ترکیه در تلاش هستند تا با محوری قلمداد کردن نقش خود در سازمان آکو، ترکیه را به عنوان حلقه‌ی واسط بین سازمان همکاری‌های اقتصادی آکو، جامعه اروپا و سایر پیمان‌های منطقه‌ای قلمداد کنند (cetinsaya, 2007:18).

۲- مساله هسته‌ای ایران و موضع ترکیه

یکی از مسائل مهمی که در چند سال اخیر بر روابط ایران و ترکیه سایه گسترانیده است، موضوع مساله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این سال‌ها با وجود تلاش محافل غربی در جهت معرفی دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای به عنوان تهدیدی علیه کشورهای منطقه، از جمله ترکیه، مسولان ترک همواره سعی کرده‌اند در مساله‌ی هسته‌ای ایران موضعی مستقل از آمریکا و سایر قدرتها اتخاذ نمایند. دولت ترکیه مکررا اعلام کرده است که با دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته‌ای هیچ مخالفتی ندارد و صرفا با سلاح‌های هسته‌ای مخالف است. مقامات ترکیه تاکید کرده‌اند که مساله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بایستی در چارچوبی مسالمت آمیز و از طریق مذاکره با نهادهای بین‌المللی مسئول از قبیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA و سازمان ملل متحد حل شود، لذا ترکیه در این مساله همواره موضعی نرم داشته است، اگرچه در عین حال از تاثیرات منفی گسترش این بحران نیز نگران بوده است (رضازاده، ۱۳۸۶: ۹).

بدیهی است ترکیه از شکل‌گیری یک ایران مسلح به توان هسته‌ای نگران خواهد شد، زیرا این مساله باعث می‌شود ایران در سه منطقه‌ی آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه برتری قابل توجهی نسبت به ترکیه پیدا کند (keskinT2007:54).

۳- مساله کردها

امنیت کل منطقه امنیتی واحد محسوب شده و قابل تفکیک نبوده و هر آسیبی به یکی از کشورها باعث آسیب به کل منطقه خواهد شد. با توجه به پراکندگی کردها در سه کشور ایران و ترکیه و عراق و مسائل متعددی که کردها برای دولت مرکزی ترکیه به وجود آورده‌اند و سال‌ها مرزهای جنوب و جنوب شرق ترکیه را به

آشوب کشیده و مشکلات متعددی را برای دولت مرکزی ترکیه ایجاد کرده اند لذا دولت ترکیه تلاش می کند با برقراری روابط مناسب با کردستان عراق و ایران مسئله کردها را به هر طریق ممکن مدیریت کرده و موجب کاهش آسیب ها در منطقه بشود. (Aras.Bulent .2009:89)

ب) عوامل واگرا در روابط ایران و ترکیه :

۱- هویت های متفاوت

روابط ایران و ترکیه در طول تاریخ همواره دارای فراز و فرودهای بسیار زیادی بوده است که اگر بخواهیم علت اصلی وجود مشکلات در روابط دو کشور را شناسایی کنیم، شاید بتوان از تفاوت های هویتی موجود بین دو کشور، به عنوان یکی از اصلی ترین علل نام برد. (ملاعمر عیسی، ۱۳۹۰: ۲۰) مهمترین تفاوت های هویتی بین ایران و ترکیه که در طول تاریخ بعضا روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار داده است عبارتند از:

الف) بحث های مربوط به شیعه و سنی که در مقاطع مختلف تاریخی یکی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر روابط دو کشور بوده است.

ب) مقوله فارس بودن و ترک بودن نیز یکی دیگر از عوامل مهم هویتی اختلاف زا در روابط بین دو کشور است.

ج) از نظر حکومتی نیز نظام سلطنتی در ایران و نظام جمهوری در ترکیه در مقاطعی از تاریخ به عنوان تفاوت های هویتی بین دو کشور ظاهر شده است. همین عامل در طول دوران حکومت عثمانی، به شکلی دیگر، یکی از اصلی ترین دلایل بروز اختلاف بین ایران و ترکیه بوده است.

د) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی دیگر از مهمترین اختلافات هویتی در روابط بین دو کشور به وجود آمد و آن اینکه که در ایران، دین

به عنوان اصلی‌ترین مرجع و اساس سیاست و حکومت قرار گرفت درحالی‌که ترکیه با نظام سکولار خود، همواره در پی دور کردن عنصر مذهب از سیاست بود. (ذ) اختلاف دیگر اینکه ترک‌ها همواره به دنبال نزدیک شدن به فرهنگ غرب و نمایش هویت غربی از خود بوده‌اند، اما ایران پس از انقلاب هویتی ضدغربی پیدا کرده است.

باید توجه داشت که اگرچه دولت کنونی ترکیه از اعضای اسلام‌گرا تشکیل شده است، اما از یکسو همچنان نظام حاکم بر این کشور سکولار بوده و از سوی دیگر تلقی سیاسیون ترکیه از اسلام و نقش آن در سیاست کاملاً متفاوت با نگاه مسئولان جمهوری اسلامی ایران است (cetinsaya, 2007: 183).

۲- نگاه متفاوت دو کشور به آمریکا و اسرائیل:

از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی در ایران، آمریکا و اسرائیل بزرگترین دشمنان ایران در جهان و منطقه محسوب می‌شدند، اما در آن طرف، ترکیه روابطی بسیار نزدیک با آمریکا برقرار کرد بطوریکه می‌توان این کشور را متحد استراتژیک آمریکا در منطقه قلمداد نمود. ترکیه هم در دوران جنگ سرد و هم در قضایای کویت، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، سومالی و افغانستان همواره در کنار آمریکا بوده است (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۵۳). تنها در سال ۲۰۰۳ میان دیدگاه‌های این دو کشور بخصوص در مورد منطقه شمال عراق شکاف ایجاد شد و بعد از مدتی بر سر مساله کشتار ارامنه اختلافات بیشتر شد. اما اکنون مجدداً در ماجرای سوریه مشاهده شد که چگونه ترکیه از مواضع آمریکا بر علیه دولت بشار اسد حمایت کرد. ترکیه عضو ناتو است و دو طرف برای ثبات در منطقه به همدیگر نیازمندند و احتمال دارد در آینده نیز به توافقاتی در این مورد دست یابند. از نظر داووداغلو

روابط آمریکا- ترکیه عصری طلایی را پیش رو دارد و هر دو کشور مجبور به تقابل کمتر و همکاری بیشترند. ترکیه یک سرمایه امنیتی برای آمریکا در منطقه محسوب می شود.، همچنین ترکیه سالهاست با اسرائیل روابط نزدیک برقرار کرده است و با وجود تمامی چالش های اخیر بین تل آویو و آنکارا، بعید به نظر می رسد که ترکیه روابط خود را با اسرائیل قطع کند، زیرا ترکیه هم نیازی جدی به لابی های اسرائیلی در آمریکا و اتحادیه اروپا دارد و هم اینکه بدون مذاکره با اسرائیل مسائل سرزمینی و امنیتی آن حل ناشدنی است. این مساله از منظر ایران که موجودیت اسرائیل را قبول ندارد، تهدیدی آشکار و عامل اختلاف در روابط ایران و ترکیه قلمداد می شود. (ملاعمر عیسی، ۱۳۹۰: ۲۶)

۳- رقابت دو کشور در مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه

منطقه آسیای میانه و قفقاز یکی از مناطق مناسب و مستعدی است که می تواند برای هر دو کشور ایران و ترکیه دارای منافع متعدد سیاسی و اقتصادی داشته باشد و هر دو کشور در موقعیت خوبی برای حضور در این منطقه هستند. هر دو در تلاشند تا به طرق مختلف بتوانند پیوندهای سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای های این منطقه افزایش داده و در بازارهای اقتصادی آنها نفوذ نمایند. وجود بازارهای بکر و دست نخورده کشورهای منطقه قفقاز و وجود منابع غنی نفت و گاز در این منطقه هر کشوری را برای سرمایه گذاری در این منطقه تشویق می نماید و ترکیه در چند سال اخیر با توجه به برنامه های توسعه اقتصادی و سیاسی خود و استراتژی های سیاست خارجی خود توجه ویژه ای را به کشورهای پیرامونی خود خصوصا کشورهای منطقه قفقاز داشته است و قراردادهای اقتصادی متعددی را با کشورهای این منطقه منعقد کرده که در این میان جمهوری ترک

تبار و کشورهای نظیر آذربایجان، و گرجستان از جایگاه ویژه ای برای این کشور خوردار بوده اند (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۲) البته ایران نیز با توجه به داشتن مشترکات فرهنگی، تاریخی، زبانی و تمدنی متعدد با کشورهای آسیای میانه و قفقاز بخصوص کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان تلاش گسترده ای در دو دهه اخیر از خود نشان داده تا بتواند در این مناطق نفوذ کند. لذا به نظر می رسد منطقه آسیای میانه یکی از مناطق مهم و استراتژیکی است که هر یک از کشورهای ایران و ترکیه در تلاش است برای حضور در این منطقه بر دیگری سبقت بگیرد تا جایی که تحلیل گران مسائل بین الملل رقابت ایران و ترکیه را در منطقه قفقاز بازی با حاصل جمع صفر تحلیل کرده اند و علاوه بر رقابتهای سیاسی و اقتصادی دو کشور در منطقه بر رقابت های ایدئولوژیک و امنیتی ایران و ترکیه نیز در این منطقه تاکید دارند. (حاجی میرخان، ۱۳۹۰: ۲۰)

روابط ایران و کردستان عراق

الف) عوامل همگرایی در روابط ایران و کردستان عراق

۱- داشتن مرزهای مشترک

دو کشور ایران و عراق در مسافتی حدود ۱۴۵۸ کیلومتر دارای مرز مشترک می باشند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن مرز مشترک آبی (اروند رود) می باشد و مابقی زمینی است. به ترتیب استانهای آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم مرز هستند. در این میان استان کرمانشاه دارای بیش از ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با منطقه کردستان عراق می باشد که این مرز مشترک نسبتاً طولانی سال های متمادی است که عامل اتصال این منطقه به ایران شده است و مبادلات تجاری و بازرگانی گسترده ای از این مرز و بازارچه های مرزی موجود در این منطقه مثل مرز قصر شیرین بین دو طرف

صورت می‌گیرد و وجود این مرز مشترک به عامل مهمی برای پیوند این منطقه با مردمان مرز نشین ایران تبدیل شده است.

۲- داشتن اشتراکات فرهنگی

کردها، مادها را نیاکان خود می‌دانند و مادها نخستین سلسله پادشاهی ایرانی بودند که از سال ۶۶۰ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند. واژه ایران نیز به معنی سرزمین آریاییان است و برپایه واقعیات تاریخی، کردها از جمله اقوام آریایی و ایرانی هستند و رخدادهای تاریخی که باعث جدایی بخش‌های زیادی از سرزمین‌های امپراتوری ایران شد سرزمین‌های کردنشین را نیز در بر گرفت؛ هرچند پس از روی کار آمدن صفویان در ایران و گسترش بیشتر مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی، قسمت‌هایی از کردستان سنی نشین به خلیفه عثمانی گرایش یافت ولی یکی از نتایج جنگ ۱۵۱۴ م. چالدران میان سپاه صفوی و عثمانیان جدایی بخش بزرگی از کردستان از ایران-سرزمین مادری اش شد. رویدادهای پس از جنگ جهانی اول و برنامه تجزیه امپراتوری عثمانی و تاسیس کشورهای زیر سرپرستی انگلستان و فرانسه، برای کردهای خارج از مرزهای ایران چندان خوشایند نبود، چرا که غربی‌ها بر خلاف وعده‌هایی که هنگام انعقاد «پیمان سور» برای تاسیس کشوری بنام کردستان داده بودند کردها را در میان سه کشور نوظهور عراق، ترکیه و سوریه تقسیم کردند. در این پیمان ایجاد کشور مستقل ارمنستان و کردستان و کشورهای عرب مستقل مجاز شمرده شده و تشکیل کشور عراق و سوریه پیش بینی شده بود ولی این وعده‌ها هرگز اجرا نشد. بسیاری از کردهای ترکیه و عراق، هنوز هم پیمان سور را مظهر حقوق مشروع خود در زمینه خودگردانی می‌دانند. بدین ترتیب کردها تبدیل به اقلیتی نژادی در سه کشور نوظهور مذکور شدند. کشورهایی که فاصله بسیاری با

معیارهای مردم‌سالاری داشتند و این مسئله در پایمال شدن آرزوهای این قوم آریایی تاثیر فراوانی داشت (احمدی، قومیت و قوم‌گرایی: ۸۵). بخش اعظمی از ذخایر نفتی عراق در شمال این کشور و در مناطق کردنشین قرار گرفته و همین موضوع بر اهمیت مسئله کردها افزوده است.

ب) عوامل واگرا در روابط ایران و کردستان عراق

۱- خودمختاری کردستان عراق

در دو دهه اخیر اقدامات عناصر تندرو کرد جهت تشکیل به اصطلاح کشور مستقل کردستان بزرگ (چهارپارچه) به یکی از عوامل مهم و نامطلوب در مناسبات دوجانبه ایران و کردستان عراق تبدیل شده است. این عناصر با تحریک احساسات مردم کرد اقلیم کردستان، آرمان‌هایی چون ملت کرد و دولت مستقل کردستان و کشور کردستان را مطرح کرده و در حال تبدیل آن به آرزوی مردم این مناطق می‌باشند. این عناصر با مطرح کردن واژه فارس - کرد، در صدد سوءاستفاده و بهره برداری سیاسی از آن بوده و تلاش می‌کنند برای خود هویتی جداگانه و مستقل بیافرینند، در صورتی که نه همه مردم ایران از نژاد فارس هستند - و فارس‌ها نیز مانند دیگر اقوام ایرانی یکی از اعضای خانواده بزرگ ایران زمین بوده‌اند - نه همه ساکنان اقلیم کردستان را کردها تشکیل می‌دهند و نه زیستگاه همه کردهای جهان، اقلیم کردستان عراق بوده است. (news agency irna, 30 april 2007)

مهمترین راهبرد ایران در قبال تحولات دو دهه اخیر عراق حفظ تمامیت ارضی این کشور بوده است. به باور ایران اگر حرکت کردها برای افزایش اختیارات حکومت اقلیم کردستان در راستای زمینه سازی برای خودمختاری کامل و سپس استقلال از عراق تفسیر شود در نتیجه این مسئله به سردی روابط اقلیم کردستان با ایران منجر می‌شود ولی چنانچه تلاش کردها برای افزایش اختیارات

خود توأم با تلاش آنها برای حضور سازنده در دولت مرکزی عراق و در نتیجه تقویت وحدت ملی عراق شود این موضوع به گرمی روابط جمهوری اسلامی ایران با گردهای عراق خواهد انجامید. (شرق، ۱۳۸۳: ۹)

۲- فعالیت گروههای مخالف ایران در منطقه کردستان عراق

مسئله مهم دیگر در مورد کردستان عراق به استفاده از خاک این منطقه توسط گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران مانند پژاک، کومله، زحمتکشان، دمکرات ایران و غیره برمی‌گردد. مسئله ای که بارها منجر به پروژناامنی در مرزها و برخی شهرهای غربی ایران شده‌است. در این حوزه نیز چنانچه گردهای عراقی مانع استفاده از خاکشان توسط دشمنان ایران شوند در نتیجه خواهند توانست بر میزان اعتماد جمهوری اسلامی ایران بیفزایند و در نهایت روابط سازنده تر و مناسبات سیاسی گرم تری داشته باشند ولی بی توجهی آنان به این موضوع نتیجه عکس خواهد داد. (رفیع، ۱۳۹۱: ۸۷) البته از سوی دیگر حملات مکرر نظامی ایران بر علیه گروه پژاک در خاک کردستان عراق، مشکلاتی را برای منطقه اقلیم کردستان بوجود آورده است به طوری که پارلمان کردستان عراق در ۲۲ تیر ۱۳۹۰، رسماً اقدام ایران را محکوم نمود. (تلویزیون اتحادیه میهنی کردستان، ۲۲ تیر، ۱۳۹۰) همچنین این حملات موجب بدبینی مردم این مناطق نسبت به سیاستهای ایران گردیده است. (کانال ماهواره ای کرد سات، ۴ مرداد، ۱۳۹۰)

روابط کردستان عراق با ترکیه

الف) دلایل گرایش کردستان عراق برای برقراری رابطه با ترکیه

اقلیم کردستان عراق که تا چند سال پیش مهمترین اخبار در موردش مربوط به تلاش دو حزب اصلی آن (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی) برای اتحاد و حفظ خودمختاری بود و اخیرا اختلافات با دولت مرکزی این کشور و سهم‌خواهی از بودجه عراق هم به این اخبار اضافه شد، اکنون در اخبار رسانه‌های دنیا به عنوان میانجی‌گر در مسئله کردهای ترکیه، رایزن با گروه‌های دیگر عراقی و حامی کردهای سوریه معرفی می‌شود. لذا در این بخش به مولفه‌هایی پرداخته می‌شود که سیاست رهبران اقلیم را در رابطه با همسایه شمالی‌اش (ترکیه) مشخص می‌کند.

۱- خروج از بن‌بست سیاسی

اگرچه در آغاز دهه ۱۹۹۰ منطقه کردستان عراق به طور رسمی و با حمایت آمریکایی‌ها تشکیل شد اما به دلیل حضور صدام و حزب بعث در راس هرم قدرت عراق که همواره سیاست‌های پان‌عربیسم را دنبال می‌کرد و در مسائل قومی بشدت با کردها اختلاف داشت، منطقه کردستان عراق و احزاب فعال در این منطقه نتوانستند چندان در عرصه سیاسی این کشور فعالیت قابل توجهی انجام دهند. اما پس از سقوط صدام و حزب بعث در سال ۲۰۰۳ شرایط در کشور عراق و به خصوص برای منطقه کردستان عراق تغییر یافت. (حق پناه، ۱۳۹۲: ۵۹) سقوط صدام در عراق همزمان شد با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه. این حزب که رجب طیب اردوغان و داود اغلو را در راس هرم قدرت و دستگاه دیپلماسی خود می‌دید بلافاصله سیاست تنش زدایی و برقراری رابطه با کشور های همسایه را در دستور کاری سیاست های خود قرار داد، اما خیلی زود

بر سر مسائل متعدد از قبیل مسائل سیاسی، مذهبی و شخصی با نوری مالکی نخست وزیر عراق دچار اختلاف شد و لذا رابطه دو کشور به سردی گرایید و از سوی دیگر مقامات کردستان عراق که از زیر سلطه و خودکامگی رژیم بعث نجات یافته بودند و شاهد یک حکومت دموکراتیک در عراق بودند امتیازات زیادی را از دولت مرکزی عراق برای افزایش استقلال و خود مختاری خود طلب کردند که این موضوع از سوی دولت مرکزی عراق مورد قبول واقع نشد. هرچند امتیازاتی به این منطقه داده شد اما این امتیازات نیز نتوانست خواسته های مقامات کردستان عراق را تامین کند و این موضوعها باعث بروز اختلاف بین مقامات کردستان عراق با دولت مرکزی عراق شد تا جائیکه به دلیل عدم موافقت دولت مرکزی عراق با برخی خواسته های منطقه کردستان عراق از قبیل اجازه صادرات و واردات مستقیم برای منطقه کردستان به خارج از کشور، عقد مستقیم قرار دادهای نفتی با خارج، مسائل گمرکی، مرزی و... در سال ۲۰۱۳ نمایندگان کردستان عراق در مجلس عراق و تعدادی از وزرای کرد کابینه نوری مالکی به نشانه اعتراض به عدم موافقت دولت مرکزی عراق با این تقاضاها برای مدت دو ماه مجلس و دولت عراق را ترک و در واقع تحریم کردند. (حاجی میرخان، ۱۳۹۰:

(۱۶)

موارد یاد شده و فشارهای وارده از سوی دولت مرکزی عراق به منطقه کردستان و تنگناهای سیاسی موجود در این منطقه و از طرفی اختلافات بوجود آمده بین دولت مرکزی عراق و ترکیه نوعی گرایش نزدیکی را بین کردستان عراق و ترکیه ایجاد کرد و مقامات کردستان عراق را واداشت تا برای برون رفت از وضعیت موجود و برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی عراق و در واقع خروج از بن بست های سیاسی موجود به سمت دولت ترکیه روی بیاورند و از

طریق گسترش روابط با این کشور بتوانند به برخی اهداف و خواسته های خود دست یابند.

لازم به ذکر است که کردستان عراق علی‌رغم داشتن مرز های مشترک با ایران نتوانست نظر مقامات ایرانی را برای همراهی با خود مانند مقامات ترکیه جلب کند چون اولاً حکومتی که در عراق تشکیل شده بود یک حکومت دموکراتیک شیعه بود که بعد از ۸۰ سال اختلافات اساسی با ایران می توانست به همه این مشکلات بین دو کشور خاتمه دهد و از طرفی هم رئیس جمهور عراق و هم نخست وزیر این کشور سال های متمادی را در ایران سپری کرده بودند و دارای روابط نزدیکی با مقامات ایرانی بودند و لذا دولت ایران حاضر نبود این موقعیت مناسب برای برقراری روابط حسنه و حل و فصل اختلافات با دولت مرکزی عراق را به بهای توجه نشان دادن به منطقه کردستان عراق بدون جلب نظر دولت مرکزی عراق از دست بدهد. از این رو مقامات کردستان عراق می دانستند که برای تامین خواسته های سیاسی خود نمی توانند چندان روی ایران حساب کنند و به همین دلیل برای رسیدن به خواسته های سیاسی خود و خروج از بن بست های سیاسی موجود گرایش بیشتری به سمت ترکیه پیدا کردند. (محرابی و غم پور، ۱۳۹۰: ۲۰۱)

۲- صادرات نفت و جذب سرمایه‌های خارجی

اقلیم کردستان عراق در یک دهه تجربه خودمختاری، اکنون در فصل حساس و مهمی از ارتباطات خود قرار گرفته است. تغییری که در رویکرد مقامات ترک در ارتباط با این منطقه به وجود آمده است، باعث شده با وجود سردی روابط در سال‌های اول خودمختاری، اکنون کردستان شاهد سرمایه‌گذاری‌های وسیع و گسترش روابط با ترکیه باشد. این منطقه خودمختار که تا یک دهه پیش سرزمینی

شبهه به روستایی بزرگ بود که جنگ‌های داخلی آسیب فراوانی به آن زده بود، مدت‌هاست که متولد شده و در حال رشد است و عامل پیشرفت اقتصادی مهمترین دغدغه رهبران آن بوده است. در واقع به نظر می‌رسد که اقلیم کردستان عراق بابت از یک دهه تجربه خودمختاری اکنون از دوران سازندگی و رشد اقتصادی به تدریج به سمت رشد سیاسی و بالا بردن توان استراتژیک خود در منطقه در حرکت است که البته در این دوران نیز مناسبات و روابط خاص خود را با دیگر کشورها خواهد داشت که از مولفه‌هایی بعضاً متفاوت با انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و سهم‌شدن در ساخت شهرهایش تبعیت می‌کند.

این منطقه با اختصاص ۱۷ درصد از بودجه کل عراق به خود، و برخورداری از منابع عظیم نفتی، منابع درآمدی دیگری چون راه‌های ترانزیت کالا را در اختیار دارد. (ناظم دباغ، ۱۳۹۰: ۶۵) به طوری که منطقه مرزی حاجی عمران که به خاطر هم‌مرز بودن با ایران و ترکیه منطقه استراتژیک کردستان محسوب می‌شود، درآمدی همسان با فروش نفت برای اقلیم به همراه داشته است. امروز در شهرهای اقلیم کردستان شهرک‌های طراحی و ساخته شده بوسیله آمریکا، اروپا و ترکیه، مجتمع‌های بزرگ و مدرن و خودروهای اروپایی و امریکایی خودنمایی می‌کنند. بارزانی‌ها و طالبانی‌ها خیلی زود دریافته‌اند که برای خودمختاری باید با هم کنار بیایند و اتحادشان را دست‌کم در ظاهر حفظ کنند تا همسایگان را به مشارکت در پروژه‌های عمرانی خود ترغیب کنند. (گالبرایت، ۱۳۹۲: ۳۲۱) در واقع باید گفت روابط با دیگر کشورها برای اقلیم در چهارچوب روابط اقتصادی رقم خورد که در این میان ترکیه و آمریکا سهم بیشتری در مشارکت و نقش‌آفرینی داشته‌اند. ترکیه این نکته را به خوبی دریافت که نمی‌تواند از حقیقت خودمختار بودن کردستان غافل شود بنابراین سعی کرد به اقلیم کردستان بیشتر به عنوان یک دوست نزدیک

شود تا اینکه از دور مراقب سیاست‌های آن باشد. از طرف دیگر، رهبران کردستان عراق به تنگناهای ژئوپلیتیک ناشی از محصور بودن سرزمینی اقلیم خود واقف هستند و از طریق همسایه شمالی خود می‌توانند از این تنگنا خارج شده و با مناطق دیگر آسیا و اروپا ارتباط سهل‌تری را برقرار کنند. (ناظم دباغ، ۱۳۹۰: ۶۵)

۳- فشار بر حکومت مرکزی عراق جهت اعطای امتیازات

کردستان عراق همواره بر سر مسائل سیاسی و اقتصادی با دولت مرکزی عراق اختلاف داشته است به ویژه پس از کسب استقلال و تشکیل دولت و مجلس در منطقه کردستان عراق که با حمایت امریکا انجام گرفت این اختلافات بیشتر شد. منطقه کردستان عراق همواره خواهان افزایش امتیازات و خودمختاری و استقلال کامل بود و دولت مرکزی عراق همواره از این موضوع اجتناب و در صدد محدود کردن منطقه کردستان عراق بوده است. لذا منطقه کردستان عراق برای مقابله با اقدامات محدود کننده دولت مرکزی عراق و اعمال فشار بر آن تلاش کرد تا با دولت ترکیه که دارای اختلافات اساسی با دولت عراق است ارتباط برقرار کند و اقدامات سیاسی و اقتصادی خود را مستقل و بدون اجازه دولت مرکزی عراق انجام دهد تا بدین ترتیب بتواند بر دولت مرکزی عراق فشار وارد کند که در این زمینه می‌توان به انعقاد قراردادهای نفتی با ترکیه، روسیه و سایر شرکت‌های نفتی بین‌المللی و دیدارهای سیاسی با مسئولین بلند پایه سایر کشورها بدون اجازه دولت مرکزی عراق اشاره کرد.. (بشیکچی، ۱۳۷۸: ۴۵)

۴- بحران سوریه و حمایت از کردهای سوریه

یکی از رویدادهای مهم که معادلات منطقه را طی سه سال گذشته دستخوش دگرگونی کرده است بحران سوریه و در پی آن بحران کردهای این کشور است که

به اقلیم کردستان فرصت تحرک سیاسی داد تا بتواند در این منطقه نقش بازی کند. نقشی که بارزانی به عهده گرفته و خواهان حمایت از کردهای سوریه برای ایجاد منطقه خودمختار شده، چندان با سیاست‌های ترکیه همسویی ندارد. زیرا به نظر می‌رسد همزمان با پیشرفت‌های داخلی و اقتصادی در اقلیم، این منطقه می‌تواند مستقل‌تر و مطمئن‌تر در عرصه سیاسی گام بردارد و اکنون مایل است کمی هم در اردوگاه شرقی‌ها حرکت کند. (پشنگ، ۱۳۹۲: ۱۱) سفر مسعود بارزانی به مسکو و امضای قرارداد نفتی را باید در همین راستا بررسی کرد که می‌توان آن را به‌عنوان تلاش جهت ایجاد توازن سیاسی میان دو اردوگاه غرب و شرق ارزیابی کرد.

بحران سوریه و آواره‌شدن بسیاری از کردهای این کشور در منطقه اقلیم، رقابتی را برای نقش‌پذیری در آینده سوریه میان ترکیه و کردستان به‌وجود آورده است. این در حالی است که ترک‌ها تا چندی پیش برای همراه کردن اقلیم با خود در موضوع سوریه تلاش می‌کردند. البته باید ارتباط با آمریکا را به‌عنوان دوستی که خودمختاری را به اقلیم کردستان هدیه داد، به این مسئله افزود که این رابطه، گسترش روابط با کشورهای غربی را برای کردستان تسهیل کرده است. از آنجایی که جایگاه کردهای سوریه در مناطق شمالی ارتقا یافته و در حال بهره‌برداری از این وضع هستند، نقش بارزانی و حکومت اقلیم در اتحاد کردهای سوریه بسیار مهم بوده است. حکومت اقلیم چه با دعوت از احزاب کرد سوری و چه با اعزام نماینده، سعی در بازسازی و سازماندهی کردهای سوریه دارد. (گالبریت، ۱۳۹۲: ۳۲۱) به این ترتیب، مهمترین موضوع استراتژیک برای ترکیه در خاورمیانه مسئله کردهاست و ترکیه بشدت از شکل‌گیری حکومت اقلیمی دیگری در منطقه به ویژه در سوریه نگران است.

ب. دلایل گرایش ترکیه برای برقراری ارتباط با کردستان عراق

ترکیه که تا چندی پیش با هدف تمرکز قدرت و تشکیل دولت ملت جدید، با توسل به اهرم‌های مختلف سیاسی و اقتصادی یکی از عوامل اصلی بسترساز و اگرایی کردستان بوده است اینک با اتخاذ سیاستی متفاوت در پی ایجاد ارتباطی تنش‌زدا با اقلیم کردستان است.

۱- نیاز شدید به نفت کردستان عراق

ترکیه که به شدت برای تامین نیازهای انرژی خود به خارج از کشور متکی است، می‌خواهد برای متنوع‌سازی تامین‌کنندگان انرژی خود بخشی از نیازهایش را از طریق کردستان عراق تامین کند. آنکارا ثروت گاز و نفت کشورهای همسایه را به‌عنوان راهکاری برای رفع نیازهای فزاینده انرژی در کشور خود میداند. (پورخسروی، ۱۳۸۷: ۸۹) ترکیه منابع انرژی اندکی در اختیار دارد و همواره در پی متنوع‌تر کردن اتکای کشورش به ایران و روسیه است و در این بین کردستان عراق از بیشترین قابلیت برخوردار است چرا که همین انگیزه نیز در کردستان عراق برای صادرات نفت به ترکیه وجود دارد.

۲- حل مسئله کردهای ترکیه

ترکیه این نکته را به‌خوبی می‌داند که نمی‌تواند از حقیقت خودمختاربودن کردستان غافل شود، بنابراین سعی کرده به اقلیم کردستان به‌عنوان یک دوست نزدیک شود تا اینکه از دور مراقب سیاست‌های آن باشد. البته ترکیه این سیاست را سال‌ها بعد از خودمختاری کردستان دنبال کرد و در سال‌های اول خودمختاری، اقلیم را تهدیدی برای امنیت خود و عامل تحریک جمعیت ۲۰ میلیونی کرد خود

می‌دانست. به همین دلیل دیرتر از دیگر کشورها راضی شد که در اربیل کنسولگری دایر کند. دولت ترکیه در واکنش نسبت به دو چالش حضور کردهای مبارز پ.ک.ک. و نیز خودمختاری اقلیم ناگزیر از تغییر سیاست سنتی خود علیه کردها شده است. تورگوت اوزال (Turgut Ozal) در ۱۹۹۱ به‌عنوان رئیس‌جمهور ترکیه سیاست «تعدیل نسبت به کردها» را اعلام کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۸۶) و کاربرد عمومی زبان کردی را قانونی اعلام کرد، ملاقات با رهبران کرد عراقی را به رسمیت شناخت و پیشنهاد عفو چریک‌های کرد را داد. با روی کار آمدن دولت اردوغان و نیز بالاگرفتن ناآرامی‌ها و تکامل خودگردانی شمال عراق و افزایش اقتدار بین کردها برای طرح خواست‌ها و نیز در راستای تامین نظرات اتحادیه اروپا در مورد کردها، دولت ترکیه دست به سلسله اصلاحات و اقدامات تعدیلی زد که از جمله آنها می‌توان به پایان‌دادن به حکومت نظامی در مناطق کردنشین و آغاز به کار رادیو و تلویزیون کردی در جنوب شرق ترکیه و کاربرد زبان کردی اشاره کرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱) به این ترتیب، سیاست پایان‌دادن به مخاصمات و تعدیل تاکتیک‌ها از سوی دولت ترکیه نسبت به مسئله کردها، می‌تواند رابطه مستحکم‌تری را برای ترکیه با همسایگانش تضمین کند. (رابرت، ۱۳۹۱: ۳۵)

۳- ممانعت از گرایش کردستان عراق به سمت ایران

عامل منطقه‌ای دیگری که به مسئله ارتباط ترکیه با کردستان جهت می‌دهد، تمایل شدید ترکیه به جلوگیری از گسترش روابط اربیل با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور است. ترک‌ها به‌خوبی می‌دانند مادامی که مسئله کرد و پ.ک.ک را حل نکنند آنها همواره در معرض آسیب‌پذیری از ناحیه کردها توسط رقبایشان در منطقه هستند. پیش از جنگ سرد حمایت‌های غیررسمی اتحاد جماهیر شوروی از

پ.ک.ک همواره یکی از عوامل دخیل در سردی روابط میان آنکارا و مسکو بود. در دوره اخیر نیز علاوه بر روسیه، کشورهای دیگری از جمله ایران وجود دارند که قابلیت استفاده از برگ کردها برای تضعیف ترکیه را دارند. (محبی، ۱۳۹۲: ۷۳)

نفوذ ریشه‌دار اقتصادی، مالی، دینی و مذهبی ایران در عراق باعث شده ایران نقشی بسیار موثر در عراق ایفا کند. آنکارا دریافته است که در مقابل باید نفوذ خود را در میان کردها گسترش دهد. حضور اقتصادی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بسیار بالا است و روزبه‌روز نیز افزایش می‌یابد و اینها همه در کنار افزایش نفوذ سیاسی ترکیه در کردستان عراق است. ترکیه در عین حال دائماً کوه‌های قندیل (مرز ایران، ترکیه و عراق) را برای هدف قراردادن مواضع شورشیان پ.ک.ک بمباران می‌کند که نه تنها با سکوت اقلیم کردستان همراه است بلکه حتی گفته می‌شود که در این بمباران سازمان امنیت کردستان نیز با ترک‌ها همکاری می‌کند. (کوزه گرکالجی، ۱۳۸۵: ۵۵) اینها همه در حالی است که روابطی سنتی و تاریخی نیز میان ترکمن‌های عراق با ترکیه وجود دارد که همواره ابزاری برای نفوذ ترکیه در عراق بوده‌اند. ترکیه همواره از یکپارچگی عراق حمایت قاطع می‌کند. این دقیقاً همان چیزی است که ایران نیز از آن حمایت می‌کند. اما در عین حال به دنبال یک ابزار سیاسی برای امتیازگیری نیز هست. پناه دادن طارق الهاشمی در خاک خود و همچنین توافق به صادرات نفت عراق در حقیقت ابزاری است برای امتیازگیری هم از بغداد و هم از تمامی طرف‌های درگیر در عراق. (داووداغلو، ۱۳۹۲)

روابط سیاسی اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تاثیر آن بر منافع و سیاست خارجی ایران

همان‌طور که داود اوغلو استدلال می‌کند، مداخله ترکیه از شیلی تا اندونزی، از آفریقا تا آسیای مرکزی و از اتحادیه اروپا تا نشست کشورهای اسلامی، بخشی از راهبرد فراگیر در سیاست خارجی این کشور است. این ابتکار عمل‌ها با نزدیک شدن سال ۲۰۲۳ (یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه) زمینه را برای ترکیه جهت تبدیل شدن به مرکزی مهم در منطقه و تبدیل این کشور به یک بازیگر جهانی فراهم خواهد کرد. در این میان ترکیه تلاش‌های وافری را انجام می‌دهد تا بتواند با کشورهای منطقه و به خصوص کردستان عراق که شرایط ویژه‌ای برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه دارد و می‌تواند نیازهای ترکیه در بخش‌های مختلف اقتصادی و بخصوص انرژی را بر طرف نماید برقرار کند و در این راستا در تلاش است تا به هر نحو ممکن بر رقیب سنتی خود برای حضور و نفوذ در کردستان عراق یعنی ایران پیشی بگیرد. (مصیب زاده، ۲۰۱۱)

به‌طور کلی می‌توان گفت که ترکیه در منطقه کردستان عراق دارای منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای می‌باشد. در این راستا، ترکیه برای دستیابی به هر یک از منافع مذکور، از ابزارهای متعددی در سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد.

به‌طور مثال در سال‌های اخیر شرکت‌های انرژی وابسته به دولت ترکیه و شرکت‌های خصوصی این کشور به‌طور مستقیم در شش میدان نفتی و گازی منطقه کردستان عراق سرمایه‌گذاری کرده‌اند و همچنین بازیگر اصلی در تلاش‌های اکتشاف نفت در منطقه کردستان عراق در سال‌های اخیر ترکیه بوده است. وجود منابع عظیم انرژی در کردستان عراق موجب شده تا ترکیه با قدرت از ثبات در این منطقه حمایت کند چراکه انتقال انرژی و افزایش همکاری در حوزه

انرژی، بیش از هر چیز، نیازمند صلح و ثبات است. از سوی دیگر، ترکیه با هدف تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی منطقه، در تلاش است ترانزیت نفت عراق را هم در راستای این راهبرد تعریف کند. (کاکایی، ۱۳۹۱: ۱۲)

از طرف دیگر بخش بزرگی از تاریخ روابط ترکیه و ایران را که دو کشور قدرتمند و صاحب نفوذ در منطقه و جهان اسلام هستند، رقابت‌های سیاسی اقتصادی تشکیل می‌دهد. هرچند پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، اراده‌های جدی تری برای همکاری بین دو کشور به وجود آمده، اما رقابت‌های سنتی بین دو کشور همچنان باقی است و تنها شکلی معتدل تر و عقلایی تر به خود گرفته است. در حوزه کردستان عراق نیز ایران و ترکیه ملاحظات متعارضی با یکدیگر دارند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- رقابت سیاسی با محوریت الگوی نظام سیاسی

ترکیه برخلاف دهه‌های پیش، سعی می‌کند در منطقه و جهان اسلام، نقش محوری ایفا کند. در این رویکرد، ترکیه هم بر برتری الگوی سیاسی خویش تأکید دارد و هم تلاش می‌کند خود را کانون سیاسی خاورمیانه و جهان اسلام معرفی کند. بسیاری از تحلیل‌گران این سیاست را که تا حدودی از هویت تاریخی ترکیه نشئت می‌گیرد، نوع‌مانی‌گرایی نامیده‌اند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران، الگوی نظام سیاسی ترکیه را در چارچوب الگوی حکومتی غرب تحلیل می‌کند و مخالف نهادینه شدن آن در جهان اسلام، به‌خصوص در کردستان عراق است. از سوی دیگر، ایران الگوی حکومتی خود را متناسب با ارزش‌های اسلامی و بومی خاورمیانه و جهان اسلام می‌داند که عملیاتی شدن آن با روحیه بومی و اسلامی مردم عراق سازگار است. جمهوری اسلامی معتقد است در حوزه تمدن اسلامی،

باید ام‌القری باشد و این جایگاه و مرکزیت، قابل واگذاری به کشوری دیگر نیست. این رویکرد، در مقابل پندار ترکیه مبنی بر تبدیل شدن به مرکز در جهان اسلام قرار دارد. (فلاح، ۱۳۹۱)

۲- رویکرد ترکیه در قبال شیعیان

ترک‌ها به صورت ضمنی نگران قدرت گرفتن شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی ایران در عراق و به خصوص منطقه کردستان هستند. به گمان ترک‌ها، قدرتمند شدن این طیف بر تضادهای داخلی و منطقه‌ای به خصوص در کردستان عراق خواهد افزود. از این رو، ترکیه با توجه نشان دادن به شیعیان عراق به ویژه شیعیان منطقه کردستان (که حدوداً ۶۰۰ هزار نفر هستند)، سعی دارد از طیف سکولار و معتدل شیعیان عراق که خواهان آشتی با اهل سنت ترکیه هستند، حمایت کند. در مقابل، ایران از گروه‌های مذهب‌گرای شیعی حمایت می‌کند و ادامه آن را مفید می‌داند. این دو رویکرد در قبال شیعیان عراق، بین دو کشور ناهمسو تلقی می‌شود. (فلاح، ۱۳۹۱)

۳- موقعیت راهبردی و شاخص‌های ژئوپلیتیک

موقعیت راهبردی (به ویژه توان بالای کردستان عراق برای تولید نفت و رقابت با ایران) و شاخص‌های ژئوپلیتیک (برحسب نفوذ غرب در کردستان عراق و بافت جمعیتی کاملاً خاص این منطقه را، به نوعی می‌توان پاشنه آشیل ژئوپلیتیک شیعی دانست. کردستان عراق مناسب‌ترین منطقه برای ایجاد توازن و مهار در برابر ایران محسوب می‌شود. بر این اساس، در مقابل توسعه مناسبات و حوزه نفوذ ترکیه در این منطقه، هر نوع غفلت ژئوپلیتیکی ایران از این جغرافیای راهبردی می‌تواند با زیان‌های عمیقی برای دستگاه دیپلماسی ایران در خاورمیانه همراه باشد. غفلت

ژئوپلیتیکی را می‌توان کوتاهی یا ناتوانی دولت‌ها از استفاده از تعلقات ژئوپلیتیکی در فضاهاى سیاسى - جغرافیایی برای تقویت منافع ملی و انبساط فضایی حوزه نفوذ جهت نقش‌آفرینی فعال در نظام ژئوپلیتیکی تعریف کرد. (ولقلی زاده، ۱۳۹۰: ۸ و فلاح ۱۳۹۱)

۴- فعالیت‌های اقتصادی در منطقه کردستان عراق

امروزه ترکیه با استفاده از راهبرد ارتباط اقتصادی با شمال عراق (منطقه کردستان) در بستر تعمیق مناسبات دوجانبه تبدیل به بزرگترین سرمایه‌گذار اقتصادی در این منطقه شده است و روابط گسترده تجاری و اقتصادی بین ترکیه و کردستان عراق وجود دارد که از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به خصوص در ۶ میدان بزرگ نفتی و گازی گرفته تا ساخت و تکمیل کارخانجات و فعالیت‌های بازرگانی و گمرکی و حمل و نقل کردستان عراق را شامل می‌شود. البته مقامات کردستان عراق نیز برای خروج از بن‌بست‌های سیاسی و اقتصادی موجود و برای دست یافتن به منابع درآمدی بیشتر و جذب سرمایه‌های خارجی و کسب استقلال مالی هر چه بیشتر از دولت مرکزی عراق از هرگونه توسعه مناسبات اقتصادی و سرمایه‌گذاری ترکیه در این منطقه بشدت استقبال می‌کنند و لذا لازم است ایران نیز اقتدار کامل اقتصادی خود را در کردستان عراق حفظ کند تا در این عرصه از ترکیه عقب‌نماند. ایران می‌تواند در سایه تعمیق مناسبات تجاری و ترانزیتی با این منطقه، به‌عنوان حلقه اتصال کردستان عراق با حوزه‌های اقتصادی قفقاز - آسیای مرکزی، شرق و جنوب آسیا و حوزه اقتصادی خلیج فارس نقش‌آفرینی کند. (بهرامی، ۱۳۹۱ و پشنگ، ۱۳۹۰)

۵- فعالیت های ترانزیتی و حمل و نقل

بدیهی است اساس پایداری و دوام در هر سیستم بین‌المللی، در بستر وابستگی متقابل در زمینه‌های مختلف بین بازیگران اصلی شکل می‌گیرد. این اصل اکنون بخشی از دکترین سیاست خارجی آنکارا در قبال کردستان عراق است و موفقیت خوبی نیز دارد. مهم‌ترین دلیل برای این ادعا، نگرش ویژه کردهای عراقی به موقعیت مواصلاتی ترکیه در مسیر بازارهای اروپایی است. این موضوع باید در ارتباط با پیشبرد سیاست خارجی ایران در کردستان عراق نیز مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر ایران در ارتباط با تنگه راهبردی ترانزیتی هرمز و سواحل شمالی خلیج فارس از جایگاه ویژه مواصلاتی برخوردار است. بنابراین، با توجه به تنگناهای ژئوپلیتیکی موجود در کردستان عراق برای دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد، تخصیص فضای آزاد تجاری از سوی ایران در سواحل خلیج فارس جهت تشکیل نوعی بازار مشترک با این منطقه در زمینه تبادل کالاها، خدمات و تکنولوژی، اتصال خطوط انتقال انرژی، استفاده از تسهیلات مشترک بندری، اتصال خطوط کشتیرانی و حمل‌ونقل هوایی، رفع محدودیت‌های گمرکی و مواردی از این قبیل می‌تواند زمینه‌های وابستگی متقابل و تعمیق مناسبات در تمامی زمینه‌ها را بین ایران و این منطقه فراهم کند. (فلاح، ۱۳۹۱)

نتیجه گیری

امروزه جدای از مسائل به‌وجود آمده میان ترکیه و دولت عراق، راهبرد ترکیه در کردستان عراق کاملاً متفاوت و متمایز است و این راهبردها در برخی موارد در تعارض با راهبردهای ایران قرار می‌گیرد. دولت ترکیه علیرغم داشتن مواضع مشترک با ایران در مسائل مختلف، اما به دلیل منافع اقتصادی و سیاسی خود در کردستان عراق و نیز وجود مولفه‌های گوناگونی از قبیل مرزهای مشترک،

مسائل مربوط به کردها، ویژگی‌های مذهبی خاص منطقه، روابط مربوط به انرژی، مسائل اقتصادی به ویژه در بخش حمل و نقل و سرانجام پیامدهای ناشی از بحران سوریه در منطقه، تلاش زیادی می‌کند تا با نفوذ گسترده در کردستان عراق این منطقه را هر چه بیشتر به خود وابسته کرده و مانع از نفوذ ایران در این منطقه شود. در نتیجه حضور و نفوذ ترکیه در کردستان عراق و گسترش مناسبات سیاسی این منطقه با ترکیه به طور حتم باعث ایجاد فاصله میان کردستان عراق با ایران می‌شود و منافع سیاسی اقتصادی ایران را در این منطقه استراتژیک به خطر می‌اندازد. بنابراین ایران برای جلوگیری از به خطر افتادن منافع خود در این منطقه، نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی جدید در قبال کردستان عراق است تا بتواند نه تنها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی این منطقه جایگاه سابق خود را حفظ کند، بلکه روزه روز بر گسترش و تقویت این جایگاه نیز بیفزاید و در این مسیر از ترکیه عقب نماند. بنابراین لازم است دولت ایران برای دست‌یابی به این مهم می‌بایستی سیاست‌هایی به شرح ذیل را مد نظر قرار دهد:

۱- موقعیت بسته‌ی جغرافیای کردستان عراق، بزرگترین چالش پایدار ژئوپلتیکی آن است. لذا ایران می‌بایستی با تعمیق مناسبات تجاری و ترانزیتی خود با این منطقه، به‌عنوان حلقه اتصال کردستان عراق با حوزه‌های اقتصادی قفقاز - آسیای مرکزی، شرق و جنوب آسیا و حوزه اقتصادی خلیج فارس نقش‌آفرینی کند.

۲- با عنایت به اینکه کردستان عراق به شدت به دنبال جذب سرمایه‌های خارجی برای رشد و توسعه اقتصادی خود می‌باشد، لازم است ایران هر چه بیشتر در این منطقه سرمایه‌گذاری اقتصادی انجام دهد. به ویژه در منطقه سلیمانیه و به

خصوص در زمینه قراردادهایی برای ساخت و ارتباط با شرکت های خصوصی این منطقه.

۳- کردستان عراق به شدت به واردات گاز از ایران نیازمند است. در نتیجه دولت ایران می بایستی با مد نظر قرار دادن این موضوع تا حد امکان شرایط صادرات گاز به منطقه کردستان عراق را تسهیل و تسریع نماید.

۴- با توجه به نیاز منطقه کردستان عراق برای اتصال به آبهای آزاد تخصیص فضای آزاد تجاری از سوی ایران در سواحل خلیج فارس جهت تشکیل نوعی بازار مشترک با این منطقه در زمینه تبادل کالاها، خدمات و تکنولوژی، اتصال خطوط انتقال انرژی، استفاده از تسهیلات مشترک بندری، اتصال خطوط کشتیرانی و حمل و نقل هوایی، رفع محدودیت های گمرکی و... می تواند به عنوان یکی از عوامل موثر در گسترش ارتباطات دو طرف و جلب توجه و اعتماد مقامات کردستان عراق به سمت ایران باشد.

۵- حملات مکرر نظامی ایران بر علیه پژاک در خاک کردستان عراق، مشکلاتی را برای منطقه اقلیم کردستان بوجود آورده است به طوری که پارلمان کردستان عراق در ۲۲ تیر ۱۳۹۰، رسماً اقدام ایران را محکوم نمود و این اقدامات حتی موجب بدبینی مردم این مناطق نسبت به سیاست های ایران شده است. لذا دولت ایران می بایستی ضمن توجه ویژه به این موضوع، در انجام این گونه اقدامات نهایت دقت را داشته و تلاش نماید ضمن انجام هماهنگی های قبلی (در چهارچوب انعقاد قرار دادها) با مسئولان منطقه کردستان عراق تا حد امکان اعتماد آنان را نسبت به اقدامات نظامی خود و بی خطر بودن این اقدامات برای مردم منطقه کردستان عراق جلب نماید.

۶- تلاش هر چه بیشتر دستگاه دیپلماسی ایران برای آشتی بیش از پیش بین دولت عراق و مقامات اقلیم کردستان عراق در جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و رفتن به سمت عراقی متحد با تاکید بر نقاط مشترک.

۷- پرهیز از هرگونه اظهار نظر و موضع گیری اشتباه از سوی مقامات ایران درباره مسائلی در کشور عراق که موجب تحریک و واکنش کردها بر علیه ایران شود. بخصوص در زمینه مسائل سیاسی و انتخاباتی که کردها بشدت بر روی آن حساسیت دارند.

۸- تلاش هر چه بیشتر دستگاه دیپلماسی ایران برای افزایش پیوند و ارتباطات با دو حزب مطرح اقلیم کردستان عراق یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق، از طریق تاکید بر مسائل مشترک مانند مسائل اقتصادی، فرهنگی و مذهبی.

۹- تاکید بر گسترش مناسبات علمی و آموزشی به ویژه در حوزه دانشگاهها و تعاملات علمی و فن آوری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع

احمدی، حمید، قومیت و قوم گرایی در ایران افسانه یا واقعیت، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.
بشیکچی، اسماعیل، مسئله کردستان در ترکیه و عراق، ترجمه محمدرفوف مرادی، ۱۳۷۸.

بهرامی، محمد، «عوامل تاثیر گذار بر روابط آنکارو حکومت اقلیم کردستان عراق».

مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۱۸ / ۳ / ۱۳۹۱

- پشنگ، اردشیر، «تاثیر تحولات خاورمیانه بر تغییر استراتژی ترکیه در قبال کردها»، سایت مرکز مطالعات صلح، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- پشنگ، اردشیر، «پیشروی دیپلماتیک ترکیه در کردستان عراق»، مرکز بین المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۰/۱۱/۱۱
- پورخسروی، انیس، «ترکیه و گرداب دگرگونی های عراق»، فصلنامه اطلاعات سیای اقتصادی، ش ۲۴۷ و ۲۴۸. فروردین و اردیبهشت ۸۷.
- تلویزیون اتحادیه میهنی کردستان، ۲۲ تیر، ۱۳۹۰
- جعفری ولدانی، اصغر، «چشم داشتهای ترکیه به شمال عراق»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۵-۹۶، ۱۳۹۱.
- حق پناه، جعفر، امکان سنجی ائتلاف شیعیان و کردها در عراق پس از انتخابات ۳۰ ژانویه، ۱-۳-۵، خرداد ۱۳۸۴.
- حق پناه، جعفر، «نقش و نفوذ ترکیه در عراق و منافع جمهوری اسلامی ایران»، گزارش راهبردی پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- حق پناه، جعفر، «افق روشن روابط»، فصلنامه همشهری دیپلماتیک، شهریور ۱۳۹۲.
- حاجی میرخان، زرار، «اقلیم کردستان عراق» فصلنامه گفتگو، مرداد ۱۳۹۰.
- حافظنیا، محمدرضا، «تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۳، ۱۳۸۵.
- رضازاده، سخاوت، «استراتژی خاورمیانه ای ترکیه و محدودیتها و مطلوبیتهای ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.
- رفیع، حسین، موانع همگرایی ایران و ترکیه در آسیای میانه و قفقاز، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۰، مازندران، ۱۳۹۱.

رابرت، السن، مسئله کرد در روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، پانید، تهران، ۱۳۹۱.

روزنامه شرق شماره ۳۶۱۰، یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۳.

فلاح، رحمت، «تقابل و تعامل ترکیه و ایران در عراق»، خبرگزاری فارس، ۹۱/۶/۱۲. فلاح، رحمت‌الله، «راهبرد ترکیه در عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۳۹۱.

فلاح، رحمت‌الله، «سایه القاعده در ترکیه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام-سال هشتم، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۶.

فلاح، رحمت‌الله، «بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۶. قاسمی، محمدعلی «بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴۷، بهار ۱۳۸۹.

کانال ماهواره‌های کرد سات، ۴ مرداد، ۱۳۹۰.

کوزه‌گرکالجی، ولی، «روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان»، فصلنامه گزارش، ش ۲۱۹، ۱۳۸۹.

کاکایی، سیامک، «نگرش جدید ترکیه به عراق: بررسی ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه نمای راهبردی، فروردین ۱۳۹۱.

کوهن، سامی، «روابط ایران و ترکیه: همکاری و رقابت» خبرگزاری کردپرس، بهمن ۱۳۹۲

گالبرایت، پیت، «کردها و عراق پس از صدام»، مجله راهبرد، ش ۳۷، بهار ۱۳۹۲. محرابی، علیرضا و غم‌پرور، احمد، «عوامل موثر بر واگرایی کردها و بحران در کردستان ترکیه»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال ۷، تابستان ۱۳۹۰.

محبی، اعظم، «سیاست تعادلی اقلیم»، فصلنامه همشهری دیپلماتیک، ش ۷۵، شهریور ۱۳۹۲.

مصاحبه با ناظم دباغ نماینده کردستان عراق در تهران، فصلنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۵، شهریور ۱۳۹۰.

مصاحبه داوود اوغلو در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل واشنگتن، سایت کردپرس، ۱۳۹۲.

مصیب‌زاده، ایلدار، «آینده سیاست خارجی ترکیه»، روزنامه ۵۲۵ باکو، ۲۰۱۱/۱۰/۴ قابل دسترسی به نشانی: www.525ci.com.az

ملاعمر عیسی، صالح، بحران آفرینی ابرقدها در کردستان عراق، توکلی، تهران، ۱۳۹۰.

نصری، قدیر، «ایران و ترکیه: زمینه‌ها و ظرافت‌های هماهنگی راهبردی» مجله نمای راهبردی، سال اول شماره ۲۲، ۱۳۹۱.

ولقلی‌زاده، علی، «راهبردهایی برای نقش آفرینی موفق ایران در رقابت با ترک‌ها در عراق» نشریه تحلیل هفته، مؤسسه فرهنگی مطالعات فرهنگی، مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910611000510>

Aras.Bulent & Biakarayad Plot.Turkey & Middle East ,Frontiers of The Neo Geographic Imagination,Australian Journal of International Relations,vol 67,2009

Cetinsaya, Gokhan Turkish, “Iranian Relations since The Revolution,Turkish Review of Middle East Studies ,vol 26,2007

Keskin ,Aref. “Iran-Tuekey Realations” ,Strategic Analyse , vol 9,2008